

با قند پارسی تا بنگاله

سرزمین هندوستان با آن جذآبیت و ربآبندگی که از لحاظ طبیعت و عناصر فرهنگی دارد، پیوسته اشتیاق دیدار و خواهش رسیدن به تماشاگاه زیبایی‌هایش را در نهاد انسان جلوه‌گر می‌سازد. شاید در عهد قدیم و روزگاران پیش نیز همین اصالت و نصرت روحانی شاعران را در نظر اول به جانب خود می‌کشید و بعداً همت و پایمردی امیران این منطقه در پشتیبانی از شعر و ادبیات. به همین خاطر است که هرچند بارها به این سرزمین و شهر و بلاد مختلف آن مسافرت انجام دهی، از تماشا و شناسایی خاک و آب این دیار هنوزم در اشتیاق خواهی ماند.

در ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۸ به ما ۳ نفر دکتر علم فیلولوژی، پروفیسور امیده غفآراوه، دکتر علم فیلولوژی، پروفیسور مطلوبه خواجه‌افه و مؤلف این سطرها اتفاق افتاد که بار دیگر به این سرزمین مسافرت انجام داده، در ۲۹ مین انجمن بین‌المللی استادان زبان فارسی هندوستان شرکت نماییم و دیگرباره از فیض نزاکت و رنگارنگی‌های طبیعت، نادره‌داری‌های فرهنگ و هنر این حوزه نیرومند ادبی و علمی فیض برداریم.

یادآور باید شد که انجمن استادان زبان فارسی هندوستان در سال ۱۹۷۸ با ابتکار گروهی از دانشمندان ممتاز مملکت تأسیس یافته، هدف و مرام اساسی فعالیت آن دعوت محققان و هواداران زبان و ادبیات فارسی به تحقیق و نشر آثار غنی علمی و ادبی فارسی‌زبان این کشور باستانی است. رئیس این انجمن با نفوذ علمی شخص دانشمند و خاورشناس ممتاز این سرزمین اظهر دهلوی است که نام و تألیفات گرانمایه او در حوزه‌های ادبی و علمی کشور ما نیز شهرت‌یار می‌باشد.

به حکم عنعنه درآمده است که پایان هر سال انجمن استادان زبان فارسی هندوستان در یکی از شهرهای سرزمین پهناور هند دایر گردد که در رشد ادب فارسی سهم

شایسته گذاشته باشد. بدین ترتیب، سال ۲۰۰۸ شرف برگزاری این انجمن بانفوذ را مضافات بنگاله صاحب گردید. وابسته به این محور بررسیهای علمی در معروضه‌های هر یکی از ما فرهنگ بنگاله و محیط ادبی و علمی این منطقه قرار گرفت. پروفیسور امیده غفاراوه در موضوع «ترجمه آثار رابیندرنات تاگور در روسیه و تاجیکستان»، پروفیسور مطلوبه خواجه‌افه در موضوع «وصف بنگاله در مثنوی‌ها» و کمینه در موضوع «نسخه‌های موجوده «شرفنامه منیری» در کتابخانه‌های جهان» سخنرانی‌های علمی خویش را آماده نمودیم.

وقتی ما آماده سفر بنگاله می‌شدیم، احساس شناخت و معرفت یک نکته در نهادمان بروز می‌کرد که حالا ما به دیاری رهسپاریم که محبت آن سرزمین طول سال‌های زیاد قلب‌های شاعران و بزرگان ادبیات‌مان را سرشار عشق و ارادت و اخلاص گردانیده، در ادب فارسی به عنوان تمثال زیبایی و نزاکت، زادبوم فرهنگ و ادبیات اصیل، مکان فرهنگ‌سالاری و ادب‌پروری اعتراف گردیده بود.

در کنار این، بنگاله همان حوزه‌ای است که از دیدگاه نفوذ ادب‌پروری و مهر و اعتقاد در زمان حافظ شیرازی این شخصیت صاحبقران ادبی را به دامن خویش خواند، تا از صدای غیبی و ملکوتی آن بهره یابد و حافظ هم عشق و علاقه زیادی پیدا نموده، مکرراً با احساس بزرگی فطرت و فرهنگ بنگاله گفته بود:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

مجلس سلاطین بنگاله واقعاً هم پرآوازه بود و حافظ ضمناً خود نیز اشتیاق شرکت در آن مجلس داشت، ولی بنا بر ضعف پیری و مسافت طولانی بنگاله و تعلق خاطر با «نسیم باد مصلاً و آب رکن‌آباد» نتوانست دعوت سلطان غیاث‌الدین اعظم شاه ابن اسکندر را قبول کند:

حافظ، ز شوق مجلس سلطان غیاث‌الدین غافل مشو که کار تو از ناله می‌رود

حافظ قبل از این هم به هند دعوت شده بود. بنا به معلومات «تاریخ فرشته» فرمانروایان سلطنت بهمنیه دکن به ملاقات و مصاحبت حافظ مشتاق شده، او را به هند دعوت نمودند و حتی میر فضل‌الله اینجو که در دربار والی دکن سلطان محمودشاه بهمنی منصب صدارت را داشته است، به حافظ خرج راه هم فرستاده بود. دفعه اول

خواجه حافظ به سبب خطر دریا از سفر هند دست کشیده بود. این دفعه حافظ به بنگاله نرفت و با فرستادن «قند پارسی» اکتفا کرد و غزلی به سلطان غیاث‌الدین فرستاد که مطلع‌اش این است:

ساقی، حدیث سر و گل و لاله می‌رود این بحث با ثلاثه غساله می‌رود...

قابل تذکر است که رواج زبان و ادبیات فارسی در بنگاله در ابتدای قرن ۱۳ م. با ظهور حکمرانان مسلمان در این سرزمین آغاز یافته، تا کنون ادامه دارد. در طی این دوران طولانی که کم و بیش ۷۰۰ سال را در بر می‌گیرد، به سبب حمایت و سرپرستی حکمرانان ادب‌پرور، چون سلطان غیاث‌الدین، میر جمله، شایسته‌خان، مرشد قلی خان و غیره. از زبان و ادبیات فارسی دانشوران زیادی از این خطه علم‌دوست و هنرپرور برخاسته، در رشد و نمو این ادبیات و فرهنگ خدمت ارزنده به انجام رسانیده‌اند. شعر و زبان فارسی در بنگاله نفوذ زیاد داشت، تا آن جا که شمس‌الدین مدبر که به مقام دبیر کل یا «میرمنشی» رسید، از امیر خسرو که چندی در بنگاله بود، اصرار می‌کرد که دائم در آنجا اقامت گزیند.

از سر عشق و علاقه و ارادت تمام به این حوزه ادبی میرزا عبدالقادر بیدل نیز فرصتی از زندگی خویش را آن جا سپری نمود.

بنگاله واقعاً از چند نگاه در تاریخ فرهنگ فارسی و هندی نقش و مقام مؤثری دارد. در کنار این که این حوزه در رشد ادبیات با حضور شخصیت‌های برجسته ادبی مقام ارزنده‌ای داشته است، از نگاه دیگر سهم این خطه در نشر و معرفی آثار مذهبی و عرفانی، ادبی و تاریخی نیز قابل توجه است. زیرا نخستین چاپخانه‌های قدیمه فارسی محض در آنجا ظهور پیدا کرده، با نشر نسخه‌های خطی ادبی و تاریخی و امثال این به صورت چاپ لوحی ادبیات گذشته غنامند ما را تا امروز انتقال داده‌اند.

با پشتیبانی سلاطین و امرا بسیاری از آثار فارسی و سانسکریت به زبان بنگالی برگردانیده شدند. از جمله، قصه «یوسف و زلیخا» بارها از جانب شاه محمد صغیر (عصر ۱۴)، عبدالحکیم شاه (عصر ۱۷)، غریب‌الله غریب (عصر ۱۷) به زبان بنگالی به ظهور رسید. سید هلال (عصر ۱۷) «سکندرنامه» و «هفت پیکر» نظامی را، سید حمزه (عصر ۱۸) داستان «امیر حمزه»ی متعلق به قلم عبدالنبی را (تألیف ۱۶۸۴) از فارسی

به بنگالی درآورد. «ده مجلس» از جانب عبدالحکیم خانکار (۱۶۹۸-۱۷۰۵) ترجمه شد. محمد خاطر باشد، «شاهنامه»ی فردوسی، «طوطی‌نامه»، «گل و هرمز»، «لیلی و مجنون»، «معراج‌نامه»، «اخبارالوجود» را از فارسی به بنگالی ترجمه نمود. وجود ترجمه‌های فراوان آثار فارسی به زبان بنگالی از آن درک می‌دهد که نه تنها مردم این سرزمین به زبان و ادبیات فارسی توجه بی‌اندازه داشته‌اند، بلکه در رونق و رواج و انتشار عنصرهای ادبیات و فرهنگ مردمان این سرزمین خدمت‌های برآورنده‌ای به سامان رسانیده‌اند.

راه ما جانب سرزمینی میلان داشت که واقعاً در رشد ادب فارسی سهم شایسته گذاشته، به عنوان مهد سخنوران و دانشوران بزرگ اعتراف گردیده است. البته، سخن در مورد این خطه ادب‌پرور خیلی زیاد است و کس می‌خواهد که هر چه بیشتر و پیشتر از عظمت و شکوه آن پس از تماشا سخن به زبان آورد، اما دامن فرصت و اندیشه کوتاه است... کافی‌ست برای سند این فکر از نویسنده محبوب رابیندرنات تاگور یادآور شویم که از میان ادیبان کشورهای آسیا یکی از اولین‌ها شده، به دریافت بلندترین جایزه جهانی، جایزه نوبل مشرف گردیده، تألیفاتش امروز سراسر جهان را با مخصوصیت‌های ادبی و هنری و موضوعی فتح نموده است.

پس از رسیدن به خاک هند ما چند روز در دهلی توقف نموده، در ۲۶ دسامبر توسط هواپیما عازم شهر کلکته گردیدیم.

باعث تذکر است که شهر کلکته در چاپ و انتشار آثار گرانقدر و شاهکاری‌های ادبیات فارسی در زمینه شعر و ادب خدمت شایسته انجام داده است، زیرا محققان تاریخ بنگاله را مرز اصلی ظهور چاپ ماشینی و شهر کلکته را با نفوذ فعالیت‌های انتشاراتی مهد و گهواره چاپ و نشر و مطالعه آثار و ادبیات فارسی در هند نامزد کرده‌اند. با ورود انگلیس‌ها در سرزمین هند مردم بنگاله از ایجاد و فراگیری دانش و ابتکارات علمی و فنی انگلیس‌ها برخوردار شدند که ایجاد ماشین چاپ به حروف فارسی یکی از آنها بود. یکی از شرق‌شناسان زبردست سار چرلز ویلکینسان حروف فارسی نستعلیق را برای چاپ نمودن اختراع نمود (۱۷۸۰) که برای تأسیس و دایر ساختن ماشین چاپ مساعدت نموده، راه انتشار آثار فارسی، عربی و اردو را در شهر

کلکته آسان کرد. این حادثه واقعاً هم تحفه گرانقدر برای مشتاقان و علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند محسوب می‌شد.

در قرون ۱۸-۱۹ م. کلکته در زمینه نشر و طبع روزنامه‌های فارسی و کتب فارسی به صورت یک مرکز مهمی در شبه قاره هند نمودار شد. صدها آثار فارسی، عربی، اردو روی چاپ را دیده، بسیاری از دستنویس‌های ارزنده و مهم در روزنامه‌ها انتشار یافتند. این کار امکانی پیش آورد که آثار مذکور بدین وسیله تا به امروز محفوظ بمانند. محض، فعالیت مطبوعه‌های «ایست ایندیا کمپن پریس»، «مخزن القوانین»، «مظهر العجم»، «سلطان‌الاجبار»، «گلدسته»، «نشاط»، «کوپهر پرس کلکته»، «محمد سلطانی»، «رئیس‌الاجبار»، «هندوستان پریس» و ... نفوذ فراوانی داشته‌اند که در نشر آثار غنی ادبی و فکری و فرهنگی ما چون، «برهان قاطع»، لغت‌نامه‌های معتبر دیگر، دیوان‌های شاعران، شرح‌های معتبر دیوان حافظ، «گلستان سعدی»، «مثنوی معنوی» و آثار دیگر خدمات ارزشمندی به سامان رسانیده‌اند.

به وجود آوردن ماشین چاپ در کلکته، هوگلی، مرشدآباد و ... یک گام بزرگ و تاریخی در نشر روزنامه‌های فارسی و آثار فارسی، عربی و اردو دانسته شد. یادآوری این نکته هم به مورد است که محض ظهور فنی چاپ روزنامه‌نگاری فارسی در جهان معاصر از همین دوره شروع می‌شود و بی‌شک، کلکته را می‌توان وطن اصلی پیدایش مکتب روزنامه‌نگاری فنی نامزد نمود. این است که شهر کلکته آبرو و افتخار چاپ نخستین روزنامه هفتینه فارسی به نام «سیرت‌الاجبار» راجه رام موهن رای را دارد.

سمت مهم فعالیت در این جاده به تأسیس مؤسسه‌هایی مربوط است که در چاپ و انتشار آثار فارسی و غنی کردن دامن زبان و ادب فارسی در هند نقش مهم را ایفا کرده‌اند. یکی از این مؤسسه‌ها انجمن آسیایی کلکته می‌باشد که آن را سار ویلیم جانس در سال ۱۷۸۳ تأسیس داده است. دیگری از چنین مراکز دانشکده فارت ویلیم می‌باشد که آن را پروفیسور جان گلکریست در کلکته بنا نهاد (۱۸۰۰). مؤسسه سوم مدرسه عالی کلکته می‌باشد که بیش از دو صد سال به تدریس و خدمت زبان و ادبیات فارسی فعالیت‌های برازنده‌ای به سامان رسانیده ایستاده است.

۲۱ سال قبل، ضمنی که من به حیث دانشجو در دانشگاه به نام جواهر لعل نهرو تحصیل می‌کردم، برایم نصیب گردیده بود که از شهر کلکته و جای‌های تاریخی آن دیدن نمایم. هم‌سفران من که بار اول به این شهر تشریف آورده بودند، خواهش آن را داشتند که با معروف‌ترین و زیباترین جای‌های تاریخی شهر کلکته آشنایی پیدا نمایند. چون فرصت در این ایام سفر خیلی کم بود، من برای ایشان، پیش از همه، تشریف کتابخانه کلان‌ترین هندوستان، کتابخانه ملی (۱۹۰۲) و آثارخانه کلان‌ترین مملکت ویکتاریه میماریل را (۱۹۰۶) که در حدود این شهر واقع بوده، سبب شهرت آن گردیده‌اند، توصیه نمودم. بنابراین، ما، قبل از همه، به آثارخانه روان شدیم و از مجموع دستاورد و یادگاری‌های موجود در آن که لحظات مختلف تاریخ این کشور افسانوی را بازگویی می‌کنند، برخوردار گردیدیم.

پس از دیدن جای‌های تاریخی شهر کلکته ما توسط ماشین سبکرو رو به شهر مرشدآباد آوردیم. جای برگزار شدن ۲۹ -مین انجمن بین‌المللی استادان زبان فارسی هندوستان کالج کریشنته (سال ۱۸۵۳ تأسیس شده است) واقع در مرشدآباد مقرر شده بود. نمونه بارز رونق زبان فارسی در آنجا کتابخانه مرشدآباد محسوب می‌شود که بیش از ۳ هزار نسخه خطی فارسی و ۷ هزار نسخه چاپی ادبیات را به زبان‌های فارسی، عربی و اردو در خود جای داده است.

وقتی در مسیر جاده شهر کلکته تا مرشدآباد و هنگام بازگشت کس به منظره‌های زیبای این مضافات دیده می‌دوخت، بی‌اختیار حدیث مهر و ستایشنامه‌های منیر لاهوری در یک مثنوی‌اش که در وصف بنگاله سروده است، به خاطر می‌آمد. شاعر با کمال محبت و دل‌بستگی دریای گنگا، گل و گیاه، درختان میوه‌دار، وضع آب و هوای بنگاله را در این مثنوی صفت کرده است که آوردن پاره‌ای از آن عین مطلب خواهد بود:

سخن از وصف گل‌هایش کنم سر	شوم گلدسته بند از تار مسطر
چو اوصاف گل سرخوش نگارم	شود خامه رگ ابر بهارم
ز بس از نازک‌اندازی زنده دم	لباس خویشتن سازد ز شبنم
سواد گلشنش حیرانی آرد	از این معنی که لاله نقطه دارد
ز داغش تا سیاهی یافته همدم	چو دندان بتان هند شبنم

پس از طی نمودن فاصله دور و دراز ما به کالج کریشنته مرشدآباد رسیدیم. میزبانان ما را صمیمانه استقبال گرفتند. مجلس افتتاحی انجمن در ۲۷ دسامبر با شرکت بیش از صد نفر از استادان زبان و ادبیات فارسی از مضافات مختلف هندوستان و مهمانان از کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان برگزار شد. در جریان برگزاری آن وزیر کارهای خارجی هندوستان جناب پرنب موکرجی، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران دکتر کریم نجفی، رئیس مرکز میکروفیلم نور دکتر مهدی خواجه پیری، مدیر مرکز تحقیقات فارسی علی رضا قزوه، رایزن فرهنگی افغانستان دکتر عبدالخالق رشید، نمایندگان پارلمنت هندوستان رنجن چودهری و معینولحسن، سرور کالج کریشنته دکتر سمیش ری و استادان زبان فارسی از دانشگاه‌های مختلف سرزمین هند، همچون چندر شیکهر از دانشگاه دهلی، غلام نبی از دانشگاه لکهنو، اختر مهدی از دانشگاه جواهر لعل نهرو، آذرمیدخت صفوی از دانشگاه اسلامی علی‌گره و دانشمندانی چون سعید نور حسن زاهدی، حافظ طاهرعلی، کلیم اصغر و دیگران شرکت داشتند.

وزیر کارهای خارجی هندوستان جناب پرنب موکرجی ضمن قدردانی از برگذرنندگان انجمن چنین اظهار داشت:

”متأسفانه، من فارسی بلد نیستم، اما کتاب‌های زیاد شعرای فارسی‌گو را به زبان انگلیسی خوانده‌ام. تاگور و رام موهن رای تحت تأثیر این زبان و این فرهنگ بوده‌اند... هیچ زبان جدید در هند نمی‌بینم که لغت فارسی و فرهنگ فارسی در آن نفوذ نکرده باشد.“

در ادامه این مراسم پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران دکتر محمد حسین صفار توسط دکتر کریم نجفی قرات گردید. سپس، پیام وزیر فرهنگ کشور افغانستان توسط دکتر عبدالخالق رشید، رایزن فرهنگی افغانستان منظور دانشمندان و اشتراک‌کنندگان این جلسه شد. بعداً، به نمایندگی از کشور تاجیکستان نایب-رکتور دانشگاه دولتی خجند به نام آکادمیک ب. غفور او پروفوسور امیده غفار او زمام سخن را به اختیار گرفت و تأکید نمود:

”امروز زبان فارسی ما را به هم پیوند داد... امیدوارم ارتباط علمی و فرهنگی بین کشورهای هند، ایران، افغانستان و تاجیکستان روز به روز گسترش یابد.“

چندی از استادان سرزمین هند، از جمله، دکتر سعیدنور حسن زاهدی، پروفیسور اظهر دهلوی و نمایندگان پارلمنت هندوستان رنجن چودھری و معینولھسن به پاس قدردانی از استادان زبان فارسی سخن‌ها گفتند.

پروفیسور آذرمیدخت صفوی نیز ملاحظات خویش را در مورد مشترکات فرهنگی کشورهای ایران و هند، افغانستان و تاجیکستان بیان داشته، جایگاه زبان فارسی را در این راسته مخصوص قید نمود.

پروفیسور حافظ طاهرعلی به صفت استاد ممتاز فارسی ۲۹-مین انجمن استادان فارسی هندوستان تجلیل شد و لوح قدردانی به او اهدا گردید. در این جلسه، با استفاده از فرصت مناسب شمارهٔ آخرین فصلنامهٔ «قند پارسی» که از جانب رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو به نشر می‌رسد، رونمایی گردید.

نیمهٔ دوّم روز را ما در مکتب دخترانهٔ «الھلال» سپری نمودیم. آنجا برنامهٔ ادبی تهیه شده بود و پس از قرائت پاره‌ای از قرآن مجید دخترکان نازنین با سرودن اشعار و قرائت پارچه‌های شعری از اشعار شاعران فارسی محبت و دل‌بستگی خویش را به این زبان و این فرهنگ بازگویی نمودند.

همین طور، روز اوّل انجمن سپری گشت. روز دوّم سمینار به بزرگداشت منشی نول‌کشور اختصاص داشت. جلسه به ریاست علی رضا قزوه برگزار شد.

برگزاری این انجمن واقعاً صحیفه‌های تازه‌ای را در شناخت زبان و فرهنگ فارسی در ماورای کشورهای فارسی‌زبان باز نمود و در کنار این خاطر و ذهن و یادهای ما نیز صحیفه‌های پر جلالی را جلوریزی کرد. مهم‌تر از همه، در زندگانی ما و همسفران‌مان اثرات پرنور و مبارک از دیدار این سرزمین همایون‌قدم خطّهٔ بنگاله که دیدار آن برای هر نفر فرهنگ‌سالار و انسان صاحب‌ذوق آرمان و آرزوی دیرینه محسوب می‌شود، نقش بست که تا دیر گاه زدوده نخواهد گشت.